

نقش محرمیت و اشراف بر شکل‌گیری ساختار فضایی معماری خانه‌های بومی روستای هجیج*

مسعود رضایی**

کارن فتاحی***

سعید مرادی****

بهزاد وثیق*****

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

چکیده

سیاست‌های کلان دولت‌ها مبنی بر نوسازی و بهسازی سکونتگاه‌های روستایی، موجب تغییرات گسترده‌ای در ساختار و سیمای آبادی‌های کشور شده و بعضاً این موضوع سبب تخریب بناها با اجزا و عناصر ارزشمند شده است. از این میان، روستای هجیج شهرستان پاوه با ظاهر پلکانی دارای نمونه‌های متفاوت از خانه‌های بومی با اجزا و بخش‌های ارزشمند است. چیدمان فضاهای داخلی، سلسله‌مراتب دسترسی به آن‌ها، جانمایی، ابعاد و سمت قرارگیری بازشوها از جمله عناصر خانه در این روستا بوده که تعیین‌کننده نحوه ارتباط ساکنان با فضای بیرون از منزل و برعکس است که به‌رغم نبود حیاط در بناها، محرمیت داخل خانه را فراهم کرده است. اما تغییرات روی داده منتج از سیاست‌های دولت‌ها سبب شده است تا در سال‌های پیش رو سیمای جدید این آبادی در تضاد کامل با معماری بومی آن باشد و ساختار و ظاهر بناهای این منطقه با بناهای شهری یکسان باشد و به‌تبع الگوها و اجزای خاص خانه‌های روستا از بین برود. پژوهش حاضر در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی شکل گرفته است. شناخت و حفظ شیوه‌ها و رویکردهای مفید ساخت بنا و بررسی عوامل محرمیت یا اشراف در معماری خانه‌های بومی این روستا، از ضروریات نگارش این پژوهش است تا نتایج آن بتواند در طراحی و ساخت بناهای جدید روستا به‌عنوان گزینه‌ای تأثیرگذار مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به نقش بازشوها بر برقراری ارتباط بصری بین فضای بیرونی و داخلی خانه‌ها و حفظ محرمیت در این منازل است. نتایج تحقیق بیان داشته که پنجره‌های عموماً در ضلع‌ها جنوبی و با فرم‌های باریک و کشیده و دست‌اندازی تا حدود یک متر هیچ‌گاه باعث نگشته از بیرون به داخل بنا تسلط بصری وجود داشته باشد و برعکس از قسمت داخل بنا بر روی بام و فضای اطراف روستا دید وجود دارد. ازسوی دیگر، استفاده از بام خانه‌ها به‌عنوان حیاط و اشرافیت ساکنان بر روی بام خانه‌های مجاور و همچنین فرم پلکانی روستا، چیدمان فضای داخلی بنا، فرم پنجره‌ها و ارتفاع دست‌انداز زیر آن‌ها سبب شده تا محرمیت نیز از ویژگی‌های خانه‌ها این روستا به‌شمار آید.

کلیدواژه‌ها:

اشراف، خانه‌های سنتی، محرمیت، حیاط، روستای هجیج.

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان تأثیر هویت معماری بومی در تعیین و تبیین معیارهای احداث بناهای نوساز در سکونتگاه‌های روستایی اورامانات (مطالعه موردی: روستای هجیج) است که در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به انجام رسیده است.

** دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی.

*** استادیار گروه معماری، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران، نویسنده مسئول، karenfatahi@yahoo.com

**** استادیار، دانشکده معماری، دانشگاه رازی.

***** دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

صفحات ۱۰۵-۱۲۵ ۱۰۵

پرسش‌های پژوهش

۱. تأثیر بازشوها در برقراری ارتباط بصری بین فضای بیرونی و داخلی خانه‌هایی روستای هجیج چگونه بوده است؟
۲. چگونه محرمیت و اشراف بر ساختار شکل‌گیری معماری خانه‌های بومی روستای هجیج اثرگذار بوده است؟

مقدمه

معماری سنتی به‌عنوان محصول تعامل ساکنان بومی با طبیعت در گستره‌های جغرافیایی مختلف دارای ویژگی بارز مطابقت با نیازها و پاسخ به مسائل استفاده‌کنندگانی است که در بنای خود مداخله و مشارکت دارند (عشرتی و دیگران ۱۳۹۵، ۳۷). چنین ساختمان‌هایی نتیجه مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی در گسترده‌ترین شکل خود هستند که به‌دلیل شرایط اقلیمی، روش‌ها یا سبک‌های ساخت، مصالح موجود و فناوری در حوزه‌های اقلیمی مختلف تفاوت دارند. در واقع آنچه در فرم نهایی مشاهده می‌شود، نوع پاسخ و انتخابی است که ریشه در فرهنگ جوامع دارد. میزان نور و روشنایی مطلوب، طریقه نشستن، ارتباط بصری با فضای بیرون، شیوه غذا خوردن و آشپزی براساس فرهنگ‌ها در مناطق مختلف، متفاوت است و به‌نحوی بیانگر سبک‌های زندگی هستند (راپاپورت ۱۳۹۲، ۹۲). ازطرفی، وجوه و مؤلفه‌های فرهنگ در محیط ساخته‌شده، در قالب فضا متبلور می‌شوند و نحوه سازمان‌دهی، انتظام و نوع فضاها و فرم ظاهری آن‌ها، علاوه‌بر اینکه معرف پیشینه فرهنگی و هویت ساکنان است، بر ساختار اجتماعی کاربر فضا نیز مؤثرند.

فضای باز خانه یا حیاط به‌عنوان بخشی از یک خانه نقش اساسی را در میان دیگر عناصر سازنده بناهای سنتی نقاط مختلف کشور ایفا می‌کند (عبداللهی ملایی و فروزنده ۱۴۰۰، ۱۰۳)؛ به‌طوری‌که بخش زیادی از فعالیت‌های روزانه ساکنان خانه، به‌خصوص در مسکن سنتی، در فضای حیاط صورت می‌گرفته است. این عنصر نقشی اساسی در سازمان فضایی خانه داشته و بخش زیادی از عملکردهای مختلف خانه تحت‌تأثیر آن بوده است (پیوسته‌گر، حیدری، و کیایی ۱۳۹۵، ۴۰). در این میان، معماری بومی روستاهای منطقه زاگرس در غرب ایران، تحت‌تأثیر نحوه استفاده از انرژی‌های رایگان طبیعت و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایت و محیط پیرامون محل احداث بنا در قالب فرم‌های مختلف شکل گرفته‌اند؛ به‌طوری‌که در مناطقی مانند اورامانات به‌دلیل داشتن توپوگرافی تند محل استقرار روستاها، بناهایی متناسب با شیب و سپس با ایجاد عناصری در جهت بهره‌گیری از عوامل آسایشی اقلیمی احداث شده است (رضایی و دیگران ۱۴۰۳، ۳۸). از همین رو، روستای هجیج از توابع بخش نوسود شهرستان پاوه در استان کرمانشاه و از روستاهای کوهستانی محدوده اورامانات ایران با استقرار بر روی دامنه تند کوه شالان به‌صورت پلکانی و دارای بافت مسکونی متمرکز است (حاجی‌نژاد، رحیمی، و تقی‌نژاد ۱۳۹۲، ۵۸).

در پژوهش‌های پیشین، بناهای روستاهای اورامانات را براساس جنس زمین و نحوه استقرار بر روی دامنه کوه در سه دسته تقسیم‌بندی نموده‌اند (هاشم‌نژاد و مولانایی ۱۳۸۷، ۲۰؛ رضایی و دیگران ۱۴۰۳، ۳۷). گونه اول بناهای بوده‌اند که عموماً در قسمت جنوبی روستا استقرار داشته و به‌صورت دو اشکوبه احداث شده‌اند. اولین اشکوبه با کاربری مسکونی بر روی اشکوبه همکف که استفاده خدماتی داشته، بنا شده و شکل این تیپ از ساختمان‌ها به‌صورت مکعبی بوده است. در گونه دوم بیشتر بناها بر روی تکه‌هایی از سنگ‌های بزرگ بنا شده و ساختمان‌ها تا جایی که شرایط محل و شکل سنگ‌ها اجازه داده است توسعه یافته‌اند. فرم بناها در این نوع بیشتر متأثر از شکل کوه در محل ساخت‌وساز بوده و عموماً به‌صورت دو اشکوبه ساخته شده‌اند. در گونه سوم که از لحاظ مساحت در مقایسه به دو تیپ دیگر محق‌تر است و به‌صورت فرم «L» شکل بنا شده‌اند، اینبه‌صورت دو قسمت تقریباً منفک از هم اجرا شده است. نداشتن فضای مستقلی به‌عنوان حیاط، نبود حصارکشی در اطراف خانه‌ها و بهره‌گیری از بام خانه یکدیگر به‌عنوان حیاط و محل گفت‌وگو از وجه اشتراک هر سه گونه ساختمان‌های مسکونی این روستاست (رضایی و دیگران ۱۴۰۳، ۴۰). فقدان حیاط سبب شده تا ارتباط بصری وسیعی از داخل بنا با فضای اطراف خانه وجود داشته باشد و اشراف بصری در معماری بومی

این منطقه از کشور را در ذهن هر بیننده‌ای قلمداد نماید. از همین روی این پژوهش با هدف بررسی شناخت اشراف یا محرمیت داشتن بناهای مسکونی روستایی هجیج شکل گرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه نظری موضوع، کمتر پژوهش‌هایی در رابطه با شناخت و تحلیل محرمیت یا اشراف در بناهای مسکونی نواحی جغرافیایی غرب کشور انجام گرفته است. رضایی و همکاران ضمن شناسایی گونه‌های مسکن روستایی هجیج از توابع شهرستان پاوه استان کرمانشاه و بررسی سازمان فضایی آن‌ها و عوامل شکل‌دهنده به بافت پلکانی روستای هجیج، به این نتیجه رسیده‌اند که فرم کوه و جنس زمین محل احداث بناها زمینه‌ساز شکل‌گیری معماری پلکانی این منطقه شده است و عنوان داشته‌اند که از لحاظ ارتباطی، تأثیرگذاری طبیعت بر معماری را می‌توان به‌عنوان ویژگی شاخص معماری بومی این منطقه از کشور عنوان کرد (همان).

کرمی و همکاران با فرضیه تأثیرپذیری کالبد خانه از ویژگی‌های شیوه زندگی، معتقدند با تغییر آن‌ها، الگوی رفتاری ساکنان و به تبع آن کالبد خانه‌ها تغییر می‌کنند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که در بین ساکنان عامل «رسوم و آداب زندگی» بر وجوه عینی سبک زندگی، کمتر اهمیت دارد و نکته مهم، وجود «رسانه» در زندگی امروز است که به دلیل آن در وجوه عینی «مصرف»، تغییر در سلیقه و گرایش به نواحی تجهیزات و مبلمان خانه صورت گرفته است (کرمی، قبادیان، و صادق‌پی ۱۴۰۱).

رحیمی و همکاران پس از شناخت و بررسی نقش مؤلفه‌های اثرگذار از نحو فضا بر میزان حریم خصوصی در فضاهای باز خانه‌های سنتی شهر مازندران، به این نتیجه رسیده‌اند که فضای باز بر میزان محرمیت فضایی نقش مهم و اساسی دارد و همچنین هندسه و موقعیت قرارگیری حیاط نسبت به بنا تأثیر دوچندان بر میزان دید رؤیت‌پذیر ناظرین به فضاهای مختلف خانه دارد (رحیمی و دیگران ۱۴۰۰).

رشیدزاده و حبیبی ضمن بررسی ماهیت معماری مسکونی منطقه کردستان مکری (موکریان) به این نتیجه رسیده‌اند که معماری سنتی منطقه موکریان، تلفیقی از معماری برون‌گرا و درون‌گراست (رشیدزاده و حبیبی ۱۳۹۹). قره‌بگلو و سیلواپه پس از بررسی عوامل تأثیرگذار در سازمان فضایی خانه، نحوه تأثیر این عوامل در روستای نسمة را بررسی کرده و اعلام داشته‌اند که چهار شاخص اصلی یعنی اصول فیزیکی ساخت، عوامل رفاهی، باورها و اعتقادات و جغرافیای محل (توپوگرافی و اقلیم) به‌ترتیب از نظر تأثیرگذاری در ساخت خانه اولویت دارند (قره‌بگلو و سیلواپه ۱۳۹۸).

دانا سالم و همکاران تأثیر اقلیم بر فرم و ارتفاع و جانمایی‌ها، شیب سایت، مصالح بومی و طبیعی را از عوامل اصلی شکل‌گیری سکونتگاه‌ها مناطق غرب کردستان دانسته و علاقه به طبیعت، کاشت گسترده درختان و قرارگیری بناها بر روی شیب، همراه با داشتن دید به طبیعت اطراف و سایر بناهای روستا، از ویژگی‌های معماری این نواحی اعلام کرده‌اند (دانا سالم، حسن‌پور، و دژدار ۱۳۹۸).

حیدری و تقی‌پور مفهوم حریم خصوصی را به‌عنوان یک اصل در معماری اسلامی معرفی کرده و ساختار فضایی سه سیستم فضایی و نحوه پاسخ‌گویی آن‌ها به این اصل را تحلیل نموده و ذکر کرده‌اند که از نظر درون‌گرایی، حریم خصوصی، سلسله‌مراتب و مکان، خانه‌های دو شهر مورد مطالعه مشابه یکدیگرند. اما از نظر شاخص ممنوعیت اشرافیت و سلسله‌مراتب ورود از بیرون به داخل خانه تفاوت‌هایی بین خانه‌های مورد مطالعه مشاهده می‌شود (حیدری و تقی‌پور ۱۳۹۷).

حمه‌جانی و همکاران ضمن شناسایی و تدوین الگوهای کالبدی نظام استقرار و چگونگی تأثیر آن‌ها بر اجتماع‌پذیری فضا در ساختارهای معماری هورامان تخت، به این نتیجه رسیده‌اند که نظام استقرار در محیط انسان‌ساخت، اثر معناداری بر ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای کالبدی دارد و الگوهای این نظام، گاه به‌تنهایی و گاه در ترکیب با یکدیگر می‌توانند در کمیت و کیفیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی هورامان اثرگذار باشند (حمه‌جانی، بایزیدی، و سحابی ۱۳۹۷).

۲. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی شکل گرفته است. برای یافتن پیشینه پژوهش و وضعیت جغرافیایی و اقلیمی روستا، از مطالعات کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده است. با حضور در روستای هجیج، ضمن شناخت کلی از وضعیت معابر و بناهای روستا، در ابتدا گفت‌وگوهایی با افراد کهنسال و معماران بومی (آقایان محمد خضری، عثمان عندلیبی، اردلان کریمی و هیوا محمدی) درخصوص علل شکل‌گیری آبادی، شیوه‌های احداث بنا، مصالح مصرفی، جانمایی فضاها، استفاده از فضاهای خاص و دیگر عوامل دخیل در آن صورت گرفته است. با گردش در روستا، بناهایی که به‌عنوان خانه و محل زندگی استفاده می‌شده است شناسایی گردید و سپس از حدود ۶۰ بنا که قدمت بیشتری داشت و به‌عنوان نمونه‌های بومی منطقه معرفی شده بودند، بازدید اولیه و ظاهری صورت گرفت و مشخص شد این تعداد خانه عموماً از لحاظ نوع مصالح، فرم ظاهری و نحوه استقرار در دامنه کوه شالان، چیدمان فضایی، سلسله‌مراتب دسترسی، فرم پنجره‌ها، نحوه ارتباط با فضای بیرون از خانه، فرم و ابعاد بازشوها، معیشت با یکدیگر مشابه‌اند و می‌توانند در چند دسته گروه‌بندی شوند. با توجه به فراوانی و وضعیت کیفی بناها، به‌منظور دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر، از میان ابنیه‌ای که قابلیت بهره‌برداری به‌عنوان فضای مسکونی یا به‌دلیل قدمت تغییر کاربری داده شده به فضاهایی مانند انباری و کاهدان دارا بودند، تعداد ۱۱ خانه از محلات مختلف روستا انتخاب و براساس ویژگی‌های شکلی و فرمی، کاربری، وجود یا عدم حیاط، نحوه دسترسی به ورودی بنا، ارتباط خانه با فضای اطراف و حریمیت یا اشراف انتخاب شده و برداشت‌های اولیه در قالب تصویربرداری، رولو و ترسیم و بازخوانی پلان ساختمان‌ها انجام گرفته است، برای بررسی وضعیت بازشوها و سیمای بنا نیز سطح نما ترسیم و ابعاد درب و پنجره، ارتفاع دیوار زیر پنجره و محل قرارگیری پنجره‌ها در اضلاع ساختمان شناسایی و ترسیم شده است. سپس اطلاعات اخذشده در بخش‌های مختلف بررسی و در قالب پلان، جداول و تحلیل در پژوهش ارائه شده است.

۳. مبانی نظری

در جوامع سنتی و به‌ویژه در جوامع روستایی، الگو ضامن تداوم معماری سنتی و بومی است. همین الگو حاصل همکاری افراد در طی نسل‌های متمادی است. همکاری موجود بین آن‌ها و بسیاری عوامل دیگر سبب به وجود آمدن خانه‌های شخصی، بناهای عمومی و مکان اجتماع افراد روستا با الگوی معین می‌شود (زرگر ۱۳۹۰، ۱۷). به همین سبب از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای فطری و فعالیت‌های روزمره روستاییان در فضاهای معیشت مردم است. مصداق‌های معماری از هم‌نشینی فضاهای زیستی و معیشتی در این نوع مسکن، عمق توجه به زندگی مردم و نیازهای آن‌هاست که فضای کالبدی را با داستان زندگی مردم هماهنگ و آن را ایجاد نموده است (سرتیپی‌پور ۱۳۹۰، ۳).

در سکونتگاه‌های روستایی فضاهای شکل‌گرفته در خانه‌ها، طی سالیان متمادی براساس سنت‌های قدیمی و طبق الگویی سنتی مبتنی بر ساخت‌وسازهای پشتیبان بوده است که هرکدام از این فضاها براساس نیاز اهالی خانه در طی سال‌ها به فضاهای قبلی خود افزوده شده و شکل امروزی خانه روستایی را به وجود آورده‌اند. در این مسکن، خلق فضاها منطبق بر فعالیت‌ها و با در نظر گرفتن عوامل محیطی است که این امر ناشی از آگاهی کامل روستاییان نسبت به محیط و فعالیت‌های متأثر از آن است (موحد و فتاحی ۱۳۹۲، ۳۸)؛ به‌طوری‌که تحت شرایط خاص محیطی و جغرافیایی و به‌اقتضای مسائل مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها به وجود آمده‌اند. این اشکال معماری، هم محصول پدیده‌های فنی و پاسخ‌های صوری و مادی به قیود محیط هستند و هم نشانه‌هایی برای شناخت منزلت و مقام اشخاص و هم علائم منطقه‌ای و اجتماعی و هم نمادهای حاکی از انگاره‌های ذهنی و روحیات و نظام ارزش‌ها. در این میان، معماری روستایی و بومی خطوط ارتباطی مستقیم، بی‌واسطه و محکمی با اقلیم منطقه و همچنین با فرهنگ توده‌ها در زندگی روزمره اهالی آن دارد (خسرونیا ۱۳۹۶، ۵۳). از همین رو در این پژوهش ضمن بیان و تعریفی از واژگان خانه، قلمرو فضایی، حیاط و حریمیت و اشراف در فرهنگ ایرانی اسلامی، به شناخت اجزای تشکیل‌دهنده خانه‌های منطقه مورد بحث در

قالب فضاهای خصوصی و عمومی و بررسی هریک از آن اجزا و سلسله مراتب دسترسی به آن‌ها و نقش حیاط و بازشوها بر روی فضاها پرداخته و در نتیجه به بحث وضعیت محرمیت و اشراف بر خانه‌ها پرداخته شده است.

۱.۳. خانه

خانه به عنوان حریم مقدس و محور اصلی یکپارچگی خانواده، مأمن و مأوای اصلی آن‌ها به شمار می‌رود و اولین مکانی است که تجربیات بی‌واسطه افراد با فضا در آن شکل می‌گیرد (کوتی، صابر نژاد، و متین ۱۴۰۲، ۳۲). فضایی که مردم برای محافظت در برابر تغییرات آب‌وهوایی، شرایط فیزیکی و سایر نیروهای مزاحم خارجی آن را ایجاد کردند. این سرپناه، اولین تلاش برای این جداسازی درون و بیرون به واسطه معماری بود (میرسلامی و عمرانی پور ۱۴۰۱، ۵۱). در جوامع سنتی، شکل خانه، سازمان و تقسیمات فضایی آن، قبل از آنکه توسط اقلیم و مصالح و فناوری تعیین شود، با درک انسان از جهان و فرهنگ وی شامل اعتقادات مذهبی، ساختار قبیله و خانواده، سازمان اجتماعی، روش زندگی و شیوه ارتباطات اجتماعی افراد نسبت دارد (جباران و دیگران ۱۳۹۷، ۱۰۴). خانه را می‌توان به صورت فضاهای مجزا از هم در نظر گرفت که در آن، افراد با روابط صمیمی گرد هم می‌آیند و کنترل این فضاها را به منظور خلوت و آسایش به عهده می‌گیرند (هادی پورمرادی و دیگران ۱۴۰۲، ۸۰).

زمانی که یک خانه به عنوان الگو معرفی می‌شود، فقط یک فضا نیست. جایی است که نشان‌دهنده احساسات، اشتراکات، تمایزات، باورها و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه است. نحوه استفاده از خانه‌ها و آنچه در مورد آن‌ها احساس می‌شود، نحوه نشان دادن ما از خانه‌ها، یعنی مطالبی که در مورد آن‌ها بیان می‌کنیم، معانی که به ما درکی از اینکه چه کسی هستیم و به چه گروه یا طبقه‌ای تعلق داریم می‌دهد. این معانی در هر فرهنگی باید مشترک و مختص آن فرهنگ باشد تا از طریق «رمزهای فرهنگی مشترک» «زبان مشترک» ایجاد شود تا مردم از طریق اشتراکات، درک مشترکی از یکدیگر داشته باشند؛ زیرا معانی مشترکی که از یک محیط مشترک به افراد منتقل می‌شود، هویت‌های مشترکی را ایجاد می‌کند و افراد را به زندگی و همکاری با الگوهای رفتاری مشترک سوق می‌دهد. از این رو، خانه‌های سنتی ایرانی مصداق بارزی از تحقق اعتقادات و باورهای مذهبی و فرهنگی ایرانیان بوده است (جباران و دیگران ۱۳۹۷، ۱۰۴). حفظ حریم خصوصی خانواده از کارکردهای اصلی خانه‌های سنتی ایرانی به شمار می‌رود. بر این اساس، طراحی فضاهای خانه بر مبنای نیازهای ساکنان صورت می‌گرفته است. این نیازها چیدمان فضاها و روابط فضایی را تحت تأثیر قرار داده (کوتی، صابر نژاد، و متین ۱۴۰۲، ۳۲)؛ به نحوی که همه بخش‌ها خانه سنتی ایرانی، فلسفه روشن و معینی داشته که ناظر بر ملاحظات اخلاقی، مذهبی و ساخت فرهنگی است و ساکنان را از دیده و شنیده شدن محفوظ ساخته است (دوستی ۱۳۹۷، ۱۱۵).

۲.۳. قلمرو فضایی (فضاهای خصوصی و عمومی)

با وجود اینکه مفهوم قلمرو در شرایط متفاوت ابعاد دقیق و ثابتی ندارد، تلاش‌های متعددی صورت گرفته است که گونه‌های مختلف قلمرو را شناسایی نماید. یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در تشخیص انواع قلمرو، توجه به عرصه‌بندی در محیط‌های مسکونی است. الکساندر و چرمایف در یک تقسیم‌بندی، سلسله مراتب فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه عمومی شهری، فضاهای عمومی یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی یک خانواده و فضاهای خصوصی افراد را معرفی کرده‌اند. چنین تقسیم‌بندی را می‌توان به صورت کلی‌تر، یعنی فضاهای عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی معرفی نمود (عینی‌فر و آقالطیفی ۱۳۹۰، ۱۹). در این راستا داگلاس پورتیوس سه مقیاس فضایی را در درون هم تعریف کرده است: مقیاس اول فضای شخصی است که منظور از آن محدوده‌ای غیرقابل رؤیت در اطراف فرد است که مزاحمی به آن راه ندارد؛ مقیاس بعدی، فضای متکی به خانه است که از آن به طور فعال دفاع می‌شود و مقیاس آخر، فضای در دسترس خانه است که مکان رفتاری زندگی فرد است. همچنین حسین الشراکوی چهار گونه قلمرو مکانی را تحت عنوان قلمرو پیوسته (حباب فضایی متعلق به فرد)، مرکزی (فضاهای به شدت شخصی مانند اتاق و خانه) حامی (فضاهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی) و پیرامونی (فضاهای عمومی) معرفی می‌کند (لنگ ۱۳۸۴، ۱۷۰).

جهانشاه پاکزاد بیان می‌دارد که قلمروها و حریم‌ها معمولاً حوزه‌هایی هستند که پیرامون یک فرد یا یک شیء به‌گونه‌ای تعریف می‌شوند که به آن تعلق داشته باشند (پاکزاد ۱۳۸۵، ۵۱). در واقع قلمرو، حریمی است که فرد به‌منظور ایجاد حس تعلق به مکان برای خود ایجاد می‌کند (معظمی و عبدی ۱۳۹۶، ۴۱۴). معماری، قلمروهای فضایی معمولاً به دو شیوه خصوصی و عمومی قابل تشخیص‌اند (علی‌الحسابی و قربانی ۱۳۹۳، ۸۹)؛ فضایی که تحت مالکیت عده‌ای خاص بوده و یا از نظر کارکرد خاصش با نحوه طراحی و ویژگی‌های کالبدی‌اش مورد استفاده تمامی افراد محله قرار نمی‌گیرد، فضای خصوصی است و آن دسته فضاهایی که مورد استفاده تمام افراد قرار می‌گیرند، فضایی عمومی است (شاهزمانی سیچانی و قاسمی سیچانی ۱۳۹۶، ۱۳۹). از مهم‌ترین مکان‌هایی که وجود مرز و قلمرو در سازمان‌دهی آن اهمیت می‌یابد، خانه‌ها هستند؛ بنابراین، در ساختار فضایی آن‌ها ماهیت دوگانه‌ای از قلمروهای خصوصی و عمومی در نظر گرفته می‌شود (زنگنه و دیگران ۱۳۹۹، ۴۸). در این راستا، در خانه‌های تاریخی ایران نیز به‌دلیل آنکه روابط اجتماعی موجود در خانه‌ها، در دو سطح اعضای خانواده و مهمان قابل تقسیم است، منجر به شکل‌گیری دو قلمرو به نام‌های خصوصی و عمومی در سازمان‌دهی فضایی این خانه‌ها شده است؛ به‌طوری‌که در این خانه‌ها قلمرو خصوصی، محل حضور اعضای خانواده بوده و به حوزه زنانه یا اندرونی معروف است و قلمرو عمومی، محل حضور مهمان و روابط اجتماعی خانواده با جامعه است که به‌عنوان حوزه مردانه یا بیرونی شناخته می‌شود. و نکته قابل توجه در این خصوص، الزام به عدم ارتباط مستقیم از قلمرو عمومی به قلمرو خصوصی و یا تفکیک این قلمروها در خانه‌های سنتی می‌باشد؛ که این موضوع به روش‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته و یکی از مهم‌ترین راهکارهای تأمین حریمیت در خانه‌های بومی ایران به شمار می‌رود (حیدری و تقی‌پور ۱۳۹۷، ۸۱). بدین صورت که جهت تفکیک قلمروهای خصوصی از عمومی، فضاهای خصوصی خانه (محل حضور محارم) در قسمت‌هایی از پلان قرار می‌گیرند که از دید مستقیم افراد غریبه و مهمانانی که به داخل خانه راه می‌یابند، مصون بماند. همچنین ورودی خانه با توجه به درون‌گرایی کامل خانه‌ها در محل‌هایی ساخته شده است که هیچ‌گونه ارتباط مستقیم بصری با درون خانه به وجود نیاید (حیاتی، امین‌پور، و مدنی ۱۳۹۶، ۴۸). بنابراین، وجود قلمروهای عمومی و خصوصی در خانه‌ها، حریم و مرزی را ایجاد می‌کند که منجر به نوعی آرامش برای ساکنان می‌شود، و این آرامش ناشی از وجود مرزها و قلمروها را حریمیت فضایی می‌نامند. به‌طور کلی، حریمیت تنظیم تعامل با دیگران است (هاشمی زرج‌آباد، تقوی، و مسعودی ۱۳۹۴، ۱۲۹).

۳.۳. حیاط

حیاط نامی است که معمولاً به انواع فضاهایی گفته می‌شود که حداقل از یک طرف و حداکثر در چهار طرف آن فضایی ساخته شده باشد. اصلی‌ترین فضا برای تأمین نور و تهویه و برقراری ارتباطات داخلی از جمله کارکردهای مهم حیاط است. قرار گرفتن فضاهای ساخته‌شده در اطراف حیاط به‌خصوص در فضای باز خانه‌های بزرگ و بسته بودن این نوع از صحن‌سراها در چهار طرف با اتاق یا حداقل با دیوار باعث شده است که آن را حیاط مرکزی بنامند (سمرقندی ۱۳۴۳، ۵۹). همچنین به عبارات دیگری مانند ساخت، صحن، میان‌سرا، صحن‌سرای نیز تعریف شده است. در گذشته حیاط به‌عنوان منعطف‌ترین جزء معماری عملکردگرا ساختار مهمی در بناها ایفا می‌کرده که توجه به نقش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقلیمی، زیست‌محیطی و کالبدی از مهم‌ترین وظایف آن بوده است (مهدوی‌نژاد، منصورپور، و هادیان‌پور ۱۳۹۳، ۴۳).

میان‌سراها در خانه‌های مسکونی، کارکردهای بسیار متفاوتی دارند؛ از جمله آن‌ها نقش و عملکرد فرهنگی و آیینی است. در بناهایی که دارای حیاط مرکزی محصور بودند، ایجاد محلی امن و محافظت از حیاط‌ای که حریم خانواده به شمار می‌رفته، از دید افراد نامحرم و غریبه از عملکردهای این فضا بوده است. برخی اعتقاد دارند که عملکرد ایجاد حریمیت حیاط، باعث خلق این فضا شده است؛ به‌طوری‌که بورکها در این مورد عنوان کرده «منزل مسلمان با میانسرای احاطه‌شده از چهار طرف و یا باغ محصورشده‌اش که در آن چاهی یا چشمه‌ای وجود دارد، می‌بایست همانند این دنیا باشد. منزل، حرم اهل خانه است و محدوده حکمرانی زن که مرد در آن محدوده، فقط مهمان است» (بورکها

۱۳۶۹، ۱۴۸). راپورت اصل موضوعی حیاط را در شش واژه عنوان کرده است: ۱. نوع ویژه‌ای از حریمیت؛ ۲. مأمّن خاص اخلاق جمعی و فردی؛ ۳. مرکز ارتباطی؛ ۴. تولید بافت و پیوستگی؛ ۵. بهره‌وری آب‌وهوایی؛ ۶. قوی کردن انزوای اجتماعی. محققان دیگری هم اهمّ عملکردهای حیاط در خانه ایرانی را چنین عنوان کرده‌اند: ۱. ساخت حریمیت و محافظت از بانوان؛ ۲. کارکرد آب‌وهوایی و خلق یک اقلیم کوچک؛ ۳. خلق دید و چشم‌انداز طبیعی بدون رفع حریمیت؛ ۴. برقراری ارتباط چشمی و فیزیکی درون و بیرون و در نتیجه قوی کردن اصل شفافیت و سیالیت؛ ۵. وجود طبیعت در میان خانه؛ ۶. حیطه‌بندی زندگی فامیلی و ایجاد مرزی امن و آرام برای رفاه اهل خانه؛ ۷. کم کردن آلودگی صوتی؛ ۸. متحد کردن و نظم‌دهنده فضاهای متفاوت درون خانه (فرخزاد و مدیری دوم ۱۳۹۳، ۸۸).

معمولاً ارتباط و نحوه ترکیب هر بنا با فضاهای باز آن، به‌گونه‌ای طراحی و احداث می‌شده که با تمامی نقش‌های مهم در تشکیل و نحوه بهره‌گیری از فضا، به‌خصوص پدیده‌های مرتبط به محیط طبیعی و محیط مصنوع تناسب داشته باشد تا بتوان حداکثر و بهترین عملکرد از فضا مهیا شود. کاوش خانه‌های مسکونی در سکونتگاه‌های گوناگون کشور نشان می‌دهد که نمودهای محیطی بیشترین وظیفه را در نحوه تشکیل اعضای بنا با حیاط را دارد؛ چون منظم کردن شرایط محیطی و تجدید هوای ساختمان و چگونگی نورگیری آن، از اهمّ نمودهایی است که نقش مؤثری در بخش‌های ساختمان‌های سکونت دارد (سلطان‌زاده ۱۳۹۰، ۸۰).

۴.۳. حریمیت و اشراف

اصل «حریمیت» یکی از اصول جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی است که در زندگی اجتماعی مسلمانان، به‌عنوان یکی از ارزش‌های مهم اخلاقی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود (ثقفی‌الاسلامی و احدی بنکدار ۱۴۰۱، ۲). در فضای معماری، حریم خصوصی به‌معنای شکل دادن به فضا به‌گونه‌ای است که از دو بعد فیزیکی و معنایی دارای حریم خصوصی باشد. داشتن حریم خصوصی در فضای کالبدی، بیشتر معطوف به اصولی است که امنیت فضا را شکل می‌دهد و در حوزه معنایی ویژگی‌هایی است که برای فضای معماری احترام و ارزش قائل می‌شود به‌گونه‌ای که فرد بتواند در آن آرامش پیدا کند. حریم خصوصی در معماری با جداسازی فضاهای داخلی از فضای بیرونی اتفاق می‌افتد. این جدایی و مالکیت فضا یا نوعی آرامش ایجادشده از آن از طریق حریم خصوصی ایجاد می‌شود (مهدوی‌نژاد، منصورپور، و هادیان‌پور ۱۳۹۳، ۳۷). حریمیت فضایی و نداشتن دید مستقیم بر بناهای مجاور در معماری ایران، به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی در ساخت خانه‌ها به شمار رفته است (حکیم ۱۳۸۰، ۹۶). مسئله حفظ حریم یا به عبارتی در معرض دید نبودن فضاهای خانه، موضوعی بوده که با استفاده از ابزارهایی همچون «کنترل دید» و «مانع» قابل بررسی است. هرچه فضایی قابل دیدتر باشد، به این معناست که از کنترل بصری بالاتری برخوردار است و امکان انتخاب آن افزایش می‌یابد؛ در نتیجه حریم کمتری دارد. بر همین اساس، وجود مانع باعث جلوگیری از نفوذ به‌سمت مرزهای فضای مورد نظر می‌شود که این مانع نه‌تنها به‌وسیله دیوار بلکه می‌تواند با استفاده از نیم‌دیوار، کف‌سازی و یا پله نیز ایجاد شود و نفوذ به فضا را حتی با استفاده از مسائل روان‌شناسانه نیز کاهش دهد (حیدری و تقی‌پور ۱۳۹۷، ۵۶).

معماران قدیمی با طراحی منازل مسکونی به‌صورت درون‌گرا، امکان دیده شدن و احاطه شدن از بیرون خانه را از بین برده‌اند. همچنین داخل بنا از سروصدای کوچه و بازار در امان است و به این ترتیب خانه جدا و مستقل از محیط و ساختمان‌های اطراف، آرامش را برای اهل خانه به ارمغان می‌آورد. در داخل خانه، رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و تفکیک عرصه‌های مختلف زندگی، تلاش دیگری برای این منظور بوده است (دوستی ۱۳۹۷، ۱۱۸). معماری ایران، حریمیت را همواره چه پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی در خود داشته است: «به‌طور کلی، باورهای مردم در سامان‌دهی قسمت‌های مختلف یک بنا، به‌ویژه بناهای سنتی بسیار مؤثر بوده است. یکی از این باورها ارزش زندگی شخصی و قداست آن و نیز عزت‌نفس ایرانیان است که معماری ایرانی را به‌نوعی درون‌گرا کرده است» (پیرنیا ۱۳۸۰، ۳۵). در برابر این دیدگاه، ساختمان‌های برون‌گرا بناهایی هستند که به فضای بیرونی خود از جمله عناصری مانند معابر، مسیرها و سایر عناصر بیرونی ارتباط مستقیم دارند و قسمت‌های داخلی آن‌ها نیز همین رابطه را با فضای خارجی دارند. تفاوت آشکار آن‌ها با سایر بناها در بخشی به نام حیاط است (جباران و دیگران ۱۳۹۷، ۱۱۰).

۴. یافته‌های پژوهش

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری خصوصیات کالبدی بافت روستا و خانه‌های روستایی شامل مجموعه‌ای از عوامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود (سیروس صبری و فریدون زاده ۱۳۹۱، ۱۰۵). در میان این موارد، انسان کنترل کمتری بر عوامل محیطی دارد که تغییر فصول نیز زیر مجموعه‌ای از آن محسوب می‌شود. فضاهای سکونتگاهی به دلیل ضرورت انطباق‌پذیری آن‌ها با شرایط محیطی، بیش از هر چیز، از پدیده‌های محیط طبیعی تأثیر می‌پذیرفتند (سلطان‌زاده ۱۳۹۰، ۶۹) مسکن روستایی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ به‌طوری‌که محیط و عناصر آب‌وهوایی آن، نقش پررنگ‌تری در شکل‌گیری کالبد روستاها و نوع چینش فضاها در مسکن روستایی دارد. زندگی انسان در روستا در رابطه با طبیعت شکل گرفته است. طبیعت در طول تاریخ برای انسان روستایی مجرای تحقق حیات بوده، البته این برای تمام انسان‌ها صادق است؛ اما روستایی چون در مواجهه مستقیم با موضوع قرار می‌گیرد، درک صحیح‌تری نسبت به آن می‌یابد و شاید همین امر یکی از عوامل استفاده بیش از حد از حیاط و فضای باز در خانه روستایی است (علی‌الحسابی و راهب ۱۳۸۸، ۲۰۳).

۱.۴. روستای هجیج

آبادی هجیج جزء بخش نوسود شهرستان پاوه است. این روستا در ۳۴ کیلومتری شهر پاوه (اورامانات) و ۱۲۳ کیلومتری شهر کرمانشاه در مختصات جغرافیایی ۴۶ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۹ دقیقه عرض شمالی واقع شده است (جلالیان، نامداری، و پاشا زاده ۱۳۹۴، ۲۱۳). از منظر نحوه استقرار در سمت‌های شمالی، غربی و شرقی به کوه شالان محدود شده و از سمت جنوب به رودخانه سیروان دسترسی دارد. راه ارتباطی این روستا با ۹۹۰ نفر جمعیت و ۱۸۱ خانوار در ضلع جنوب غربی پس از گذر از چندین تونل میسر است (تصویر ۱).



تصویر ۱: نمای بخشی از روستای هجیج

برداشت‌های میدانی نشان داده است که شکل‌گیری هسته اولیه روستای هجیج در اطراف محل مسجد قدیمی صورت گرفته است. در آن زمان محل امامزاده در خارج از محدوده بافت قرار داشته که به تدریج با افزایش جمعیت و نیاز مردم به ساخت واحدهای مسکونی بیشتر، توسعه روستا در جهت شرقی و به سمت امامزاده سوق پیدا کرده است. از سوی دیگر، تراکم بافت مسکونی در محدوده محوطه قدیمی مسجد مؤید تشکیل نطفه اولیه روستا در این نقطه است. این منطقه دارای شیب نسبتاً ملایم‌تری در مقایسه با سایر نقاط روستاست.

پس از اشباع این محدوده از منازل مسکونی، توسعه در سمت شمال و همچنین در نقاطی از غرب و شمال غرب روستا شکل گرفته که در این دو نقطه نحوه برخورد انسان با شیب تند موجود قابل توجه است. براساس بافت روستا و وجود نقاط مکث و گره‌های اصلی به وجود آمده می‌توان چهار مرکز محله را در این روستا تعریف نمود: اولین مرکز محله در مجاورت مسجد روستاست که به سبب نزدیکی به مسجد و همچنین قرارگیری در سر راه محور اصلی سواره و دسترسی به خرده‌فروشی‌های تجاری روستا مهم‌ترین مرکز محله است؛ دومین مرکز محله در محدوده بقعه امامزاده شکل گرفته؛

سومین مرکز محله در محدوده زمین خالی مسجد قدیمی در شمال روستا قرار دارد و چهارمین مرکز محله که جدیدترین آن‌ها نیز می‌باشد، در بخش جنوبی روستا و در محدوده‌های مدرسه مخروبه و قدیمی روستاست. به‌طور کلی، محله‌های شناخته‌شده روستا شامل دره نار یا دره انار در محدوده جنوبی روستا، محله امامزاده و رحیم‌آباد هستند.

از دیگر سو، عدم سامان‌دهی معابر و وضعیت توپوگرافی منطقه سبب شده است تا فضاهای خالی زیادی در این روستا وجود داشته باشد که عموماً به‌عنوان مسیرهای تردد از آن‌ها استفاده می‌گردد. شبکه معابر موجود روستای هجیج براساس ظرفیت استفاده در چهار دسته قابل تقسیم‌اند (تصویر ۲): دسته اول معابری هستند که بیشترین بار ترافیکی روستا را بر عهده دارند. این شبکه شامل شبکه‌ای است که به‌عنوان محور اصلی از سمت شرق روستا و پس از گذر از سه‌راهی نودشه آغاز و بعد از عبور از قسمت جنوب روستا، به آبادی‌های شهرستان میروان استان کردستان منتهی می‌شود؛ دسته دوم گذرهای هستند که محورهای اصلی داخلی روستا را تشکیل می‌دهند و عموماً شامل یک یا دو معبر در جهت شمال به جنوب روستاست؛ سومین رده یا درجه شبکه معابر در وضع موجود شبکه‌هایی هستند که عمدتاً ارتباطات افقی و یا شرق به غرب را در میان بافت بر عهده دارند؛ چهارمین درجه از شبکه‌های دسترسی که عموماً به‌صورت بن‌بست هستند و یا به‌دلیل تعداد واحدهای مسکونی کم، از حجم رفت‌وآمد کمی برخوردارند و عموماً به‌صورت پلکانی هستند. عرض معابر درجه ۲ تا ۴ در این روستا در حدود ۱/۲ تا ۱/۸ سانتی‌متر بوده، به‌نحوی که سایه‌اندازی بناها بر روی آن‌ها سبب یخبندان در فصول سرد سال می‌گردد. همچنین براساس طرح هادی روستا، در حدود ۴۶ درصد بافت موجود به کاربری معابر و فضای باز اختصاص دارد.

در وضع موجود شبکه ارتباطی روستا هیچ‌گونه رفتار ترافیکی خاص و ثابتی قابل تعریف نیست. تنها محور قابل تعریف از نظر ترافیکی محوری است که از غرب وارد روستا می‌گردد و تا بخش شرقی پیش می‌رود. این محور تقریباً تنها محور روستاست که در آن ترافیک سواره در جریان است. سایر معابر روستا نیز به‌دلیل اینکه فاقد عرض‌های معین و یکسانی در طول شبکه بودند، دارای جایگاه مناسب و مشخص‌شده ترافیکی سواره نیستند. مضرس بودن تمامی طول شبکه‌های درون بافت به‌ویژه بافت قدیمی‌تر، رفتار ترافیکی قابل قبولی را برای این معابر معلوم نکرده است. از دلایل این امر می‌توان به شیب زیاد، کوهستانی بودن و ارزش بالای زمین اشاره کرد که عمدتاً در رفع نیاز کاربری مسکونی به کار گرفته شده است. مراکز محلات در درون روستا عمدتاً شامل فضایی باز و بدون سامان هستند که معابری با عرض‌های متفاوت و بدون رعایت سلسله‌مراتب از آن‌ها منشعب شده‌اند، بدین ترتیب در وضع موجود نمی‌توان سلسله‌مراتبی از شبکه‌های روستا را از نظر عرض به‌شکل دقیق تعریف کرد؛ هرچند عملکرد و بار ترافیکی مشخص دارند.

۲.۴. خانه‌های روستای هجیج

فضاهای مسکونی روستای هجیج با توجه به توپوگرافی روستا، بعضاً به‌صورت دو طبقه با سطح اشغال ۱۰۰ درصد و مساحت کلی بین ۶۰ تا ۱۲۰ متر مربع بنا شده‌اند. عملکرد این واحدها به این شکل بوده است که طبقه بالا برای سکونت خانوار و طبقه پایین برای نگهداری دام و انبار و بعضاً فضای مستقلی به‌صورت یک طبقه در امتداد بخش جنوبی ساختمان برای کاهدان احداث شده است. در برخی از واحدها نیز طبقه پایین به کاربری تجاری و کارگاهی اختصاص داشته و یا اینکه در برخی واحدهای مسکونی هر دو طبقه به سکونت اختصاص یافته است.

برداشت‌های میدانی در جدول ۱ (پلان‌های شماره ۱ و ۱۱) بیان‌کننده این مطلب است که در تعدادی از ساختمان‌های قدیمی دهکده که مساحت کوچک‌تری دارند، طبقه اول دارای یک اتاق خواب و فضایی کوچک‌تر برای پخت غذا و بخشی نیز به‌عنوان انبار و یا کاهدان (محل نگهداری کاه) مورد استفاده قرار گرفته است؛ ولی در بناهای وسیع‌تر، هر منزل از یک یا دو اتاق کوچک و بزرگ، هال و مدواق (محل پخت نان و غذا) است و اجزای خدمات‌دهنده بنا مثل توالت و مطبخ در طبقه همکف و در کنار انبار و طویله ساخته شده است.

قسمت مسکونی بناهای این منطقه عموماً دارای فضای خصوصی و عمومی است که با توجه به مساحت بنا و تعداد طبقات، سطح آن‌ها متغیر است؛ به‌نحوی که مجموع فضای خصوصی (اتاق‌های خواب، مطبخ و هال) بعضاً کمتر از ۴۰



تصویر ۲: شبکه معابر روستای هجیج

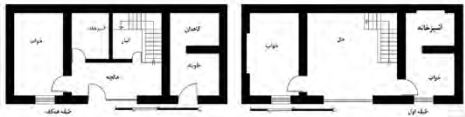
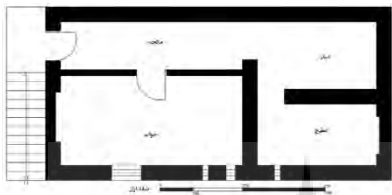
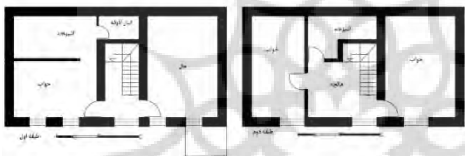
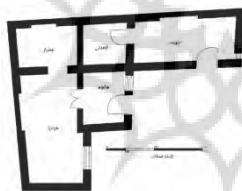
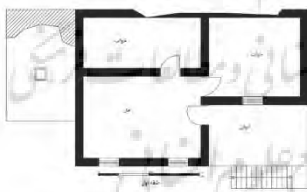
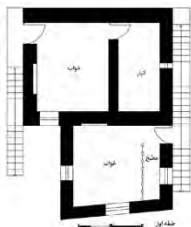
متر مربع بوده و در مواردی هم، هریک از فضاها دارای کاربری‌های مختلفی در طول روز است. برای نمونه فضای اتاق خواب، در طول روز محل تجمع خانواده یا محل صرف غذاست و در پایان روز محل خواب و استراحت اعضای خانواده است یا در منازلی که دارای قسمت هال هستند، این بخش در طول روز محل صرف غذا، تجمع خانواده و پذیرایی از مهمان بوده و در طول شب محل خواب تعدادی از اعضای خانواده و یا مهمان است. به دیگر بیان، در این بناها جانمایی اتاق‌ها منعطف و به‌شیوه‌ای بوده است که تأمین‌کننده فعالیت‌های همه افراد منزل باشد. فضای اتاق این امکان را داشته که هم فضای پذیرایی از مهمانان باشد و هم فضای خواب، در مواقعی هم با پهن کردن سفره به فضایی برای صرف غذا تبدیل شود.

۳.۴. قلمرو فضایی (فضاهای خصوصی و عمومی) خانه‌های هجیج

ساختار خانه‌های روستای هجیج تحت تأثیر عواملی چون نحوه دسترسی و وضعیت بستر محل احداث بنا بوده است. این عوامل سبب شده تا ساختمان‌ها در این روستا با ابعاد کوچک بنا شوند؛ به نحوی که در مواردی تفکیک فضایی بین فضاهای خصوصی (اتاق خواب، هال، مطبخ و آشپزخانه) و عمومی (انبار، ایوان، کاهدان و راه‌پله) در بنا روی نهد و مالک فقط به داشتن یک سرپناه بسنده کند. این موضوع در زمانی هویدا می‌گردد که برای دسترسی به فضاهایی مانند اتاق خواب باید از داخل انبار یا مطبخ گذر کرد و یا در دیگر موارد از بناهای مورد پژوهش فضاهای خدمات‌دهنده مانند کاهدان و طویله در کنار فضاهای خصوصی خانه قرار گرفته است. همچنین در خانه‌هایی که به دلیل شرایط سایت و وضعیت اقتصادی اهل خانه در چند طبقه احداث شده، در طرفین راه‌پله واقع در طبقه همکف، فضاهایی مانند اسطبل یا انبار قرار گرفته است. این موضوع سبب شده تا به درستی نتوان تفکیک فضاهای خصوصی و عمومی را در قسمت داخلی بناهای این روستا انجام داد. در جدول ۱ تفکیک فضاهای مختلف و مساحت هریک ارائه شده است.

جدول ۱: پلان و مساحت فضاهای مختلف خانه‌های روستای هجیج

شماره بنا	تعداد طبقات مسکونی ساختمان	مساحت فضای مسکونی (متر مربع)	فضای خالص خصوصی در پلان طبقات مسکونی - (مترمربع)	فضای خالص عمومی در پلان طبقات مسکونی - (مترمربع)	پلان طبقات مسکونی بنا
۱	۱	۴۷/۷۵	۲۵/۲۱	۶	
۲	۱	۱۱۶/۴۵	۷۰/۲۵	۱۲/۲۵	
۳	۲	۸۷/۳۶	۳۶/۷	۲۰/۸۰	

	۱۲/۲۴	۸۴/۴	۱۶۲	۲	۴
	۰	۲۷/۸۲	۳۷/۷	۱	۵
	۸/۹۵	۳۶/۱۲	۶۷	۱	۶
	۲۱/۴۰	۱۲۱/۷	۱۹۸	۲	۷
	۰	۲۷/۴۴	۳۹/۵	۱	۸
	۰	۶۸/۶	۹۱/۸	۱	۹
	۰	۲۲/۲	۳۵/۵۶	۱	۱۰
	۱۱/۷۱	۴۱/۷۲	۸۷	۱	۱۱

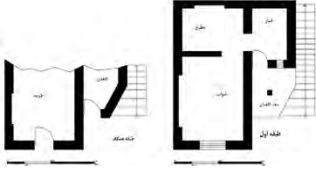
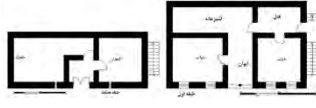
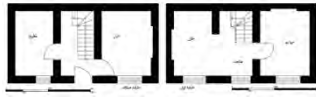
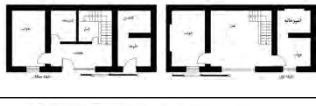
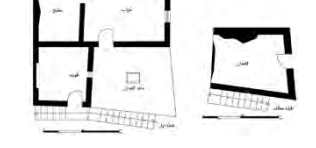
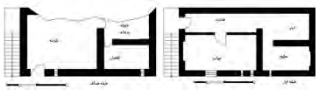
مطالعات معماری ایران

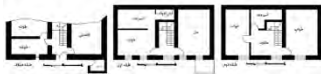
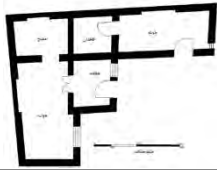
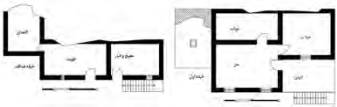
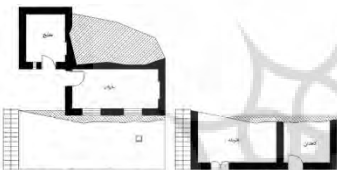
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۴.۴. حیاط خانه‌های روستای هجیج

نبود زمین مناسب برای ساخت بنا، وضعیت شیب محل احداث ساختمان و نحوه چیدمان طبقات سبب شده تا در این روستا، از بام ساختمان‌ها به عنوان حیاط استفاده شود. حیاط به عنوان محلی برای برقراری ارتباط با طبیعت و خانه‌های مجاور و انجام مراودات اجتماعی به کار می‌رفته و فضایی مستقل برای انجام عملکردهای خاص و هم‌نشینی با همسایگان بوده است. در برخی از ساختمان‌های این گونه، فضای جداگانه‌ای برای نگهداری گاه و علوفه وجود داشته است که به آن کاهدان می‌گفته‌اند. انبار گاه در قسمت جنوبی ساختمان و در تراز پایین‌تر یا به موازات سطح طبقه همکف قرار داشته است. تفاوت سطح بین انبار گاه و فضاهای طبقه فوقانی باعث شده است که از سقف آن به عنوان حیاط و یا گاه به عنوان محلی برای معاشرت ساکنان با همسایگان استفاده شود. در محدوده جنوب روستا، بناهایی وجود دارد که دسترسی به هر طبقه، مجزا و مستقیم از معابر عمومی است. بناهای این گونه عموماً فاقد حیاط بوده و دسترسی به طبقات به صورت مستقل و از طریق گذر پلکانی اطراف ساختمان ممکن بوده است. کمبود زمین مناسب برای ساخت ابنیه و توجه به لزوم ایجاد بستری مناسب برای احداث بنا سبب شده تا واحدهای مسکونی ساخته شده در روستای هجیج غالباً فاقد حیاط و محوطه باز باشند. در جدول ۲، وضعیت حیاط در ساختمان‌های روستای هجیج به تفکیک ارائه شده است.

جدول ۲: پلان محل استقرار حیاط در بناهای مسکونی روستای هجیج

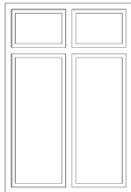
شماره محل استقرار حیاط	مساحت حیاط (متر مربع)	نسبت مساحت حیاط به سطح طبقات مسکونی	ارتفاع بنا (متر)	ارتفاع بخش نحوه دسترسی به بنا (متر)	پلان و نمای بنا
۱ بام کاهدان	۶/۲۰	۰/۱۲	۵/۲۵	۲/۹ گذر پلکانی شرقی	
۲ فاقد حیاط	۰	۰	۵/۳۰	۳ گذر پلکانی شرقی	
۳ فاقد حیاط	۰	۰	۵/۱۵	۲/۷ گذر پیاده جنوبی	
۴ فاقد حیاط	۰	۰	۶	۳ گذر پیاده جنوبی	
۵ بام کاهدان	۲۲/۸۰	۰/۶۰	۵/۱۰	۲/۸۰ گذر پلکانی جنوبی	
۶ فاقد حیاط	۰	۰	۵/۵۰	۳/۰۵ گذر پلکانی غربی	

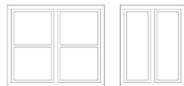
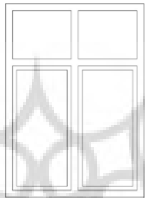
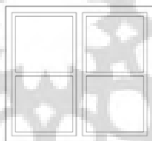
۷	فاقد حیاط	۰	فاقد حیاط	۰	۷/۷۰	۲/۸۰	گذر پیاده جنوبی	
۸	فاقد حیاط	۰	فاقد حیاط	۰	۲/۸۰	۲/۸۰	گذرهای جنوبی و غربی	
۹	بام مطبخ و انبار	۱۴/۸۵	اختصاصی مالک	۰/۱۶	۵/۱۰	۲/۶	گذر پلکانی جنوبی	
۱۰	بام کاهدان و طویل	۴۲/۲۵	اختصاصی - عمومی	۱/۱۸	۵/۲۵	۲/۴۵	گذر پیاده و پلکانی غربی	
۱۱	فاقد حیاط	۰	فاقد حیاط	۰	۵/۰۰	۲/۴۵	گذرهای پلکانی شرقی و غربی	

۴.۵. محرمیت و اشراف

جهت گیری ساختمان‌ها در این روستا از عوامل متعددی تأثیر پذیرفته است؛ مهم‌ترین عامل، بهره‌گیری از نور آفتاب است که اغلب واحدها به شکلی بنا شده‌اند که حداکثر نورگیری را داشته باشند. همچنین عامل شیب و توپوگرافی از دیگر عوامل مؤثر در جهت گیری ساختمان‌هاست. از دیگر سو، توپوگرافی شدید روستا به ناچار مشرف بودن بام بناها بر یکدیگر را ناگزیر ساخته است، اما این امر هیچ‌گاه سبب تداخل روابط انسانی و اجتماعی در واحدهای مسکونی نشده است؛ چراکه واحدهای مسکونی عمدتاً پشت به هم ساخته شده و قسمت‌های شمالی ساختمان‌ها عموماً فاقد پنجره‌اند. تسلط بصری نسبت به خانه‌های مجاور فقط در صورت ایستادن افراد در داخل بنا به سمت بیرون خانه و آن‌هم بر روی بام دیگران میسر بوده است. همچنین اشراف بصری دیگران به داخل بنا، به دلیل شرایط سایت و وضعیت باز شو در این گونه از ساختمان‌ها امکان‌پذیر نبوده و به نحوی سبب محرمیت در این نوع از خانه‌ها شده است. پنجره‌های اصلی بناهای مسکونی در ارتفاعی بین ۱ تا ۱/۸ متر و با عرضی در حدود ۰/۸۰ تا ۱/۵ متر و عموماً رو به سمت جنوب روستا و مسلط بر بام خانه مجاور احداث شده‌اند. ارتفاع دست‌انداز زیر دروچه‌ها (در زبان محلی به معنای پنجره) در حدود ۶۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر بوده که محل نشستن اهل خانه نیز بوده است. در جدول ۳، ویژگی بازشوها در فضاهای خصوصی (اتاق خواب، آشپزخانه، مطبخ و هال) خانه بیان شده است.

جدول ۳: بررسی فرم و ابعاد پنجره فضاهای خصوصی در بناهای مسکونی روستای هجیج

شماره بنا	مساحت فضای خصوصی (متر مربع)	تناسب سطح پنجره به سطح فضای خصوصی	تعداد پنجره فضای خصوصی	ابعاد پنجره فضاهای خصوصی (سانتی متر)	ارتفاع دست O.K.B فضای خصوصی (سانتی متر)	محل قرارگیری پنجره	فرم غالب پنجره های قسمت مسکونی	تصویر از بنا
۱	۲۵/۲۱	۰/۱۰	۱	۱۵۰×۱۷۰	۱۰۰	ضلع جنوبی		
۲	۷۰/۲۵	۰/۰۸	۴	۱۰۰×۱۵۰	۸۰	ضلع جنوبی		
۳	۳۶/۷	۰/۲۰	۴	۱۶۰×۱۲۰ ۱۶۰×۱۴۰ ۱۶۰×۱۵۰ ۱۰۰×۹۰	۶۰	ضلع جنوبی		
۴	۸۴/۴	۰/۱۱	۳	۱۲۰×۱۶۰ ۲۵۰×۳۰۰ ۲۵	۱۱۰	ضلع جنوبی		
۵	۲۷/۸۲	۰/۰۳	۱	۸۰×۱۲۰	۱۰۰	ضلع شرقی		
۶	۳۶/۱۲	۰/۰۴	۱	۳۰×۲۰ ۲۰۰	۷۵	ضلع جنوبی		

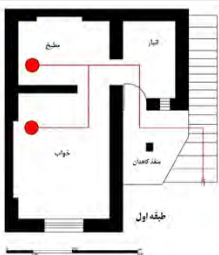
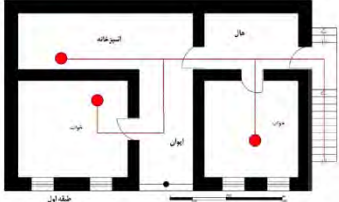
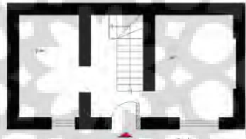
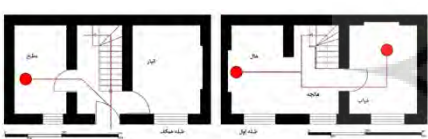
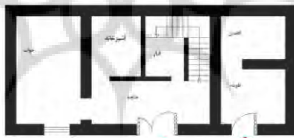
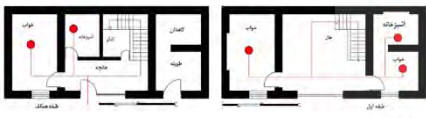
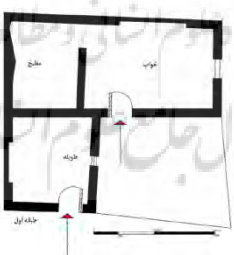
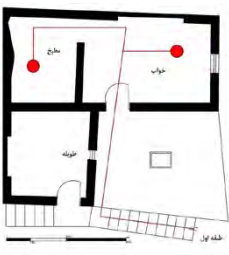
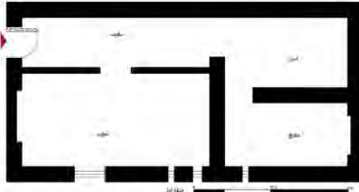
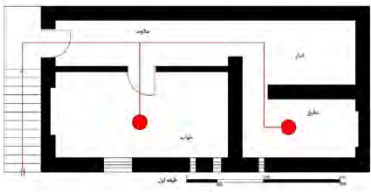
		۱۰۰	۱۰۰×۱۰۰	۲	۰/۱۰	۱۳۱/۷	۷
		۶۰	۱۰۰×۱۲۰	۲			
		۶۰	۱۵۰×۱۶۰	۲			
		۵۰	۱۵۰×۱۸۰	۱			
		۷۰	۱۰۰×۱۲۰	۱	۰/۰۷	۳۷/۴۴	۸
			۱۰۰×۸۰	۱			
		۷۰	۱۰۰×۱۴۰	۳	۰/۰۶	۶۸/۶	۹
		۸۰	۱۱۰×۱۲۰	۱	۰/۰۶	۳۲/۲	۱۰
		۲۰۰	۴۰×۲۵	۱			
		۱۰۰	۱۰۰×۱۱۰	۲	۰/۰۴	۴۱/۷۳	۱۱
			۱۱۰×۷۰	۱			

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مسیر ارتباطی برای رسیدن به طبقات این گونه از ساختمان‌ها اکثراً از طریق گذرهای پیاده‌رو واقع شده در سمت جنوب و شرق بنا میسر بوده و عموماً دسترسی به هر طبقه به صورت مستقل از دیگر اشکوب، به معبر ممکن بوده است. در بعضی موارد، هم یک درب ورودی مشترک برای ساختمان‌های دارای دو طبقه مسکونی وجود داشته است. درب‌های اصلی بنا از جنس چوب و به صورت یک یا دو لته بوده و فاقد هر گونه قسمت شفاف بوده است و درب خانه‌های با بضاعت کم، معمولاً از چهارچوب چوبی با روکش ورق‌های فلزی ساخته شده است. در جدول ۴، الگوی حرکتی و محل استقرار درب‌های اصلی ورود به بنا بیان شده است.

جدول ۴: الگوی حرکتی در داخل فضاها و محل استقرار درب اصلی در بناهای مسکونی روستای هجیج

شماره بنا	محل جانمایی درب	جانمایی محل قرارگیری درب ورودی و پنجره‌ها در پلان	دیاگرام مسیر حرکتی به داخل بنا (فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی)
۱	ضلع جنوبی		
۲	ضلع شرقی		
۳	ضلع جنوبی		
۴	ضلع جنوبی		
۵	ضلع جنوبی		
۶	ضلع غربی		

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۱۲۰



مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۱۲۱

۵. بحث پژوهش

ساختار کلی نمونه خانه‌های مورد پژوهش نشان می‌دهد که بناهای این منطقه عموماً فاقد حیاط هستند. این اتفاق بعضاً به دلیل نبود فضای مناسب جهت ساخت بنا و وضعیت توپوگرافی محل احداث روستا روی داده و در مواردی هم که از بام طبقات پایین به عنوان حیاط استفاده شده است، هیچ‌گاه حیاط نتوانسته محدوده مشخصی داشته باشد یا بتواند برای اهل خانه ایجاد حریمیت نماید. دسترسی به داخل بنا نیز معمولاً مستقیماً از طریق گذرهای اطراف بنا انجام گرفته است. مسیر حرکتی در داخل بناها هم به گونه‌ای بوده است که پس از گذر از درب اصلی ساختمان، وارد فضاهای عمومی (انبار،

راهرو و پیش ورودی) شده و پس از آن به صورت خطی و یا شبکه‌ای تقسیم فضایی صورت گرفته است. این موضوع به دلیل نحوه استقرار بناها هیچ‌گاه سبب تسلط بصری رهگذران به داخل بنا نشده و حریمیت خانه رعایت شده است. در خانه‌هایی هم که دارای مساحت کمتری بوده و صرفاً دارای فضاهای خصوصی و خدماتی بوده، دسترسی به بیرون از خانه از طریق اتاق خواب صورت پذیرفته است (بناهای شماره ۵، ۱۰ و ۱۱ از جدول ۴)؛ ولی با این حال، این موضوع باعث اشراق بصری رهگذران به داخل ساختمان نشده است.

فرم پلکانی روستا سبب شده است تا عموم پنجره‌ها در جبهه‌های جنوبی و بعضاً در قسمت‌ها شرقی بنا قرار گیرند. ابعاد این بازشوها و ارتفاع دست‌انداز زیر پنجره به همراه وضعیت توپوگرافی روستای هجیج باعث ایجاد حریمیت داخل بناها و انسداد اشراق رهگذران به داخل خانه‌ها شده است. در تحلیل سلسله‌مراتب داخل خانه می‌توان برجسته‌ترین هدف را ایجاد فضاهای حد واسطه بین فضای بیرون و درون دانست. چنین هدفی برای دستیابی به حریمیت بوده است؛ بدین صورت که ساکنان را در بدو ورود برای گذار از خارج بنا به داخل و برعکس آماده می‌سازد. در این خانه‌ها الگوی سلسله‌مراتبی رعایت شده است، این ساختار علاوه بر استفاده از طیف متنوعی از فضاهای متباین، باعث ایجاد حریم خصوصی برای ساکنان شده و سبب تبدیل شدن فضای نشیمن و پذیرایی به فضای تقسیم یا حد واسطه مابین فضای خصوصی و خدماتی گردیده است و در مواردی هم موجب تبدیل این فضاها به فضای درهم شده و اختلال در عملکردهای اصلی آن‌ها و یا به عبارتی، چندعملکردی شدن آن‌ها می‌گردد.

نتیجه

معماری خانه‌های سنتی روستاهای اورامانات با شاکله‌ای پلکانی و به دور از هرگونه کپی‌برداری از معماری دیگر نقاط کشور، از معماری‌های پیشینه‌دار ایرانی محسوب می‌شود که حاصل تجربه و شناخت کامل ساکنان از طبیعت محل زیست آن‌ها شکل گرفته است و بخشی از هویت فرهنگی و اجتماعی آن مناطق محسوب می‌شود. با شناخت درست اجزا و عناصر آن و توجه به نیازهای مصرف‌کنندگان در کنار استفاده از فناوری‌های روزآمد سازه‌ای، می‌تواند نمونه‌های مناسبی برای طراحی و احداث ساختمان‌ها نوساز روستایی باشد.

در پژوهش‌های گذشته عموماً به مباحثی از قبیل بررسی سازمان فضایی منازل، عوامل و اجزای بناها، گونه‌بندی آن‌ها، ماهیت معماری ساختمان‌ها مسکونی، تأثیر شرایط و عوامل جغرافیایی بر ساخت بناهای منطقه اورامانات و غرب کشور پرداخته شده است؛ اما در این مطالعه، اختصاصاً به بررسی، شناخت و تحلیل اجزایی تأثیرگذار خانه‌ها در ایجاد حریمیت و اشراق بناهای مسکونی روستای هجیج شهرستان پاوه پرداخته است؛ به طوری که نتایج حاصل از مشاهده و کاوش در ۱۱ بنا (به عنوان نمونه مطالعاتی) که امکان بهره‌برداری برای مصارف سکونی، خزینه (انبار) و اسطبل داشته، مبین این موضوع است که شکل و نحوه استقرار ساختمان‌های روستای پلکانی هجیج، به پیروی از جنس زمین، شیب محل و فرم کوه در محل احداث ساختمان ساخته شده است. این موضوع سبب شده تا خانه‌ها عموماً به شیوه دو اشکوبه احداث شوند و اشکوبه اول با کاربری مسکونی بر روی اشکوبه همکف با کاربری خدماتی بنا شوند.

در پاسخ به سؤال اول، نتایج بیانگر این مطلب است که پنجره‌های با عرض کم و بعضاً طویل و عموماً رو به سمت جنوب روستا جانمایی شده‌اند. به دلیل شرایط سایت در هیچ‌یک از بناها، بازشویی در سمت شمال ساختمان تعبیه نشده و این موضوع سبب رفع اشراق بصری شده است. پنجره‌های دیگر سوی بنا با دست‌اندازی بین ۷۰ تا ۱۱۰ سانتی‌متر به نحوی استقرار یافته‌اند که ساکنان منزل به صورت ایستاده در داخل بنا بر روی بام و اطراف بنا تسلط بصری داشته‌اند؛ ولی این موضوع به دلیل وضع توپوگرافی سایت و نحوه دسترسی به داخل منزل، این محدودیت را به وجود آورده است که هیچ‌گاه عابران و رهگذران نتوان به داخل بنا مشرف باشند؛ در نتیجه با وجود نبود حیاط، فرم و ارتفاع پنجره‌ها همواره حریمیت در این بناها رعایت شده است.

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان چنین بیان کرد که نحوه سازمان‌دهی این عرصه‌ها به صورت سلسله‌مراتبی بوده و بیشتر تابع نیازهای عملکردی خود فضا بوده است؛ اتاق‌ها به صورت تودرتو بوده و در اکثر موارد، اتاق‌ها از طریق وجود

در پی دیگر، به هم راه داشتند. از داخل بنا به فضای اطراف که عموماً بام خانه‌های هم‌جوار است، اشراف وجود داشته، ولی این موضوع از قسمت خارج به داخل ساختمان رابطه عکس دارد و به دلیل پلکانی بودن بناها، ارتفاع بالای دست‌انداز زیر پنجره و فرم و ابعاد پنجره‌های رابطه عکس دارد و به نوعی حریمیت رعایت گردیده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد سادگی فرم و عاری بودن از هرگونه تجمل و خودنمایی، ازجمله ویژگی‌های کالبدی خانه‌های این منطقه است. در خانه‌های دارای حیاط، این عنصر (سقف طبقه پایین خانه یا زمین مجاور) در جلوی اصلی خانه قرار داشته و بازشوهای خانه رو به سمت حیاط قرار گرفته‌اند. بام خانه نیز فضایی بسیار کاربردی بوده است که به عنوان یک مکان تعریف شده، فضایی مستقل برای تحقق عملکردها و ارتباط با همسایگان به شمار رفته است.

در سازمان فضایی این خانه‌ها، فضاهای منطقی وجود داشته که انجام عملکردهای متنوعی را در داخل اتاق یک خانه فراهم نموده است. گاه نیز فضاها از داخل به هم متصل بوده ولی از لحاظ ابعادی با یکدیگر متفاوت بوده‌اند. براساس نتایج پژوهش، حریمیت در سازمان‌دهی عرصه‌های خصوصی و عمومی این خانه‌ها، مسئله اصلی نیست و به دلیل کم‌رنگ بودن نقش حریمیت، سازمان‌دهی عرصه‌های عمومی و خصوصی، به صورت سلسله‌مراتبی نبوده و بیشتر تابع عملکرد و موقعیت استقرار خود فضاهاست.

منابع

- بورک‌ها، تیتوس. ۱۳۶۹. هنر اسلامی: زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: سروش.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۵. مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: شهیدی.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۰. سبک‌شناسی معماری ایران. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: پژوهنده.
- پیوسته‌گر، یعقوب، علی‌اکبر حیدری، و مریم کیایی. ۱۳۹۵. ارزیابی نقش حیاط در ارتقای راندمان عملکردی خانه. نشریه صفا، ش. ۲۶: ۳۹-۶۰.
- ثقل‌الاسلامی، عمیدالاسلام، و محمدامین احدی بنکدار. ۱۴۰۱. شاخص‌سازی اصل حریمیت در شهرسازی ایرانی - اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۰ (۲): ۱۶-۳۵.
- جباران، فاطمه، غلامرضا طلپسجی، نیما دیماری، و علی دری. ۱۳۹۷. سازوکارهای تنظیم خلوت در خانه‌های برون‌گرای گیلان (نمونه موردی: خانه‌های روستایی). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ۶ (۴): ۱۰۳-۱۱۹.
- جلالیان، حمید، فریوش نامداری، و اصغر پاشازاده. ۱۳۹۴. اثرات گردشگری روستایی بر توسعه روستای هجیج کرمانشاه. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی ۱۵ (۳۶): ۲۰۵-۲۲۸.
- حاجی‌نژاد، علی، دانا رحیمی، و زهرا تقی‌نژاد. ۱۳۹۲. تدوین برنامه استراتژیک توسعه گردشگری در مناطق نمونه گردشگری روستایی (مطالعه موردی: روستای نمونه گردشگری هجیج در شهرستان پاوه). دوفصلنامه علمی پژوهشی آمایش سرزمین ۵ (۱): ۷۸-۵۱.
- حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۰. شهرهای اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه محمدحسن ملک‌احمدی و عارف اقوامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حمه‌جانی، یوسف، قادر بایزیدی، و جلیل سحابی. ۱۳۹۷. بررسی تأثیر الگوهای کالبدی نظام استقرار بر اجتماع‌پذیری فضا در معماری هورامان. فصلنامه مسکن و محیط روستا ۳۷ (۱۶۴): ۵۵-۶۸.
- حیاتی، حامد، احمد امین‌پور، و رامین مدنی. ۱۳۹۶. تأثیر اصل حریم زنان بر معماری خانه‌های ایرانی براساس آموزه‌های اسلامی. نشریه زن و فرهنگ، ش. ۳۲: ۴۷-۶۱.
- حیدری، علی‌اکبر، و ملیحه تقی‌پور. ۱۳۹۷. تحلیل حریمیت در خانه‌های سنتی براساس نسبت توده به فضا (نمونه موردی: خانه‌های تک‌حیاط در اقلیم گرم و خشک). معماری اقلیم گرم و خشک، ش. ۸: ۷۷-۹۹.
- خسرونیا، مرتضی. ۱۳۹۶. تأثیر تغییر فصول و فعالیت‌ها بر الگوی سکونت و شکل مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ارومیه). نشریه مسکن و محیط روستا، ش. ۱۵۹: ۵۱-۶۲.

- دانا سالم، محمد، فرامرز حسن پور، و امید دژدار. ۱۳۹۸. گونه‌شناسی کالبدی - ذهنی مسکن بومی مناطق غرب کردستان بر بنیاد نگره تاریخی - تکاملی (مدرسه موراتوری). فصلنامه مسکن و محیط روستا ۳۸ (۱۶۵): ۴۸-۳۳.
- دوستی، شهرزاد. ۱۳۹۷. حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران. فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ش ۵۳: ۱۱۵-۱۳۶.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۹۲. معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ترجمه فرح حبیب، تهران: سازمان فضایی اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- رحیمی، روح‌اله، سید محسن موسوی، مهدیه بیشمی، و سحر امینی گوهرریزی. ۱۴۰۰. بررسی حریم شخصی در فضاهای باز خانه‌های سنتی مازندران با استفاده از تکنیک نحو فضا. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی ۱۱ (۴۴): ۷۴-۶۵.
- رشیدزاده، الهام، و فواد حبیبی. ۱۳۹۹. تحلیل روابط فرهنگی در پیکره‌بندی فضایی مسکن سنتی کردها؛ مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهری منطقه موکریان (شهر سردشت). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی/اسلامی ۱۰ (۴۰): ۳۱-۱۷.
- رضایی، مسعود، کارن فتاحی، سعید مرادی، و بهزاد وثیق. ۱۴۰۳. نقش زمین بر فرم و پلان ساختمان‌های بافت قدیم روستای هجیج. منظر ۱۶ (۶۹): ۱۹-۶.
- زرگر، اکبر. ۱۳۹۰. درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. چ ۵. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زنگنه، نجمه، حامد مضطرزاده، ملیحه تقی‌پور، و طاهره نصر. ۱۳۹۹. بررسی تأثیر انواع ساختار فضایی بر میزان تفکیک قلمروهای عمومی و خصوصی در خانه‌های سنتی درون‌گرای ایران به روش چیدمان فضا (مطالعه موردی: خانه‌های قاجاری شیراز). فصلنامه مدیریت شهری و روستایی، ش ۵۹: ۶۲-۴۵.
- سرتیپی‌پور، محسن. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی مسکن روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ش ۱۳۳: ۱۴-۳.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. نقش جغرافیا در شکل‌گیری انواع حیاط در خانه‌های سنتی ایران. پژوهش‌های جغرافیایی انسانی ۴۳ (۷۵): ۸۶-۶۹.
- سمرقندی، ابوطاهر. ۱۳۴۶. سمریه. تهران: سخن.
- سیروس صبری، رضا، و حسن فریدون‌زاده. ۱۳۹۱. بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بافت روستایی (مطالعه موردی: روستای پاقلعه خوزستان). فصلنامه مسکن و محیط روستا، ش ۱۳۸: ۱۱۴-۱۰۵.
- شاهزamani سیچانی، لادن، و مریم قاسمی سیچانی. ۱۳۹۶. تحلیل هندسه پلان مسکن‌های آغاز سده معاصر در اصفهان بر پایه سازمان‌دهی فضایی. مدیریت شهری، ۱۶ (۴۹): ۱۴۹-۱۳۳.
- عبدالحی مایلی، شاهرخ، و علی جوان فروزنده. ۱۴۰۰. گونه‌شناسی حیاط و نظام استقرار فضاهای پرو خالی در معماری بومی خانه‌های قاجار (مطالعه موردی: خانه‌های بافت تاریخی شهر اردبیل). فصلنامه علمی/تر، ۱ (۹۲): ۹۸-۱۱۷.
- عشرتی، پرستو، محمد کاظم نمازی، درنا عشرتی، و سمیه فدایی نژاد. ۱۳۹۵. محرم‌سازی مدارس دخترانه با تأکید بر معماری بومی بندر بوشهر. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۲): ۵۵-۳۷.
- علی‌الحسابی، مهران، و ابوالفضل قربانی. ۱۳۹۳. بررسی ویژگی‌های فضای ورودی به‌عنوان مفصل و حریم بصری در عرصه‌های عمومی مجاور (نمونه موردی: بندر لافت). پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۵: ۱۰۸-۸۷.
- علی‌الحسابی، مهران، و غزال راهب. ۱۳۸۸. آسیب‌شناسی توجه روستاییان به محیط طبیعی و حفظ محیط‌زیست در برپایی مسکن. نشریه علوم طبیعی، ش ۳: ۲۰۶-۱۹۳.
- عینی‌فر، علیرضا، و آزاده آق‌لطیفی. ۱۳۹۰. مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران. نشریه هنرهای زیبا، ش ۴۷: ۲۸-۱۷.
- فرخ‌زاد، محمد، و ایمان مدیری دوم. ۱۳۹۳. کنکاشی در اصول طراحی فضاهای باز با توجه به پیشینه معماری و شهرسازی ایران. مطالعات شهر ایرانی/اسلامی، ش ۱۶: ۹۵-۸۱.
- قره‌بگلو، مینو، و سونیا سیلوایه. ۱۳۹۸. ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر مسکن بومی در روستای نسمة (شهرستان پاوه). فصلنامه مسکن و محیط روستا ۳۸ (۱۶۷): ۵۰-۳۵.
- کرمی، بهرام، وحید قبادیان، و ناهید صادقی‌پی. ۱۴۰۱. شیوه زندگی و کالبد خانه (نمونه موردی: خانه‌های پلکانی پاوه). مطالعات

هنر اسلامی ۱۹ (۴۷): ۵۰۲-۴۸۸.

- کوتی، جواهر، ژاله صابر نژاد، و مهرداد متین. ۱۴۰۲. استفاده از روش چیدمان فضا در سلسله مراتب ورودی خانه‌های تهران اواخر قاجار و پهلوی اول با تأکید بر محرمیت. *باغ نظر* ۲۰ (۱۲۳): ۴۴-۳۱.
- لنگ، جان. ۱۳۸۴. *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
- معظمی، نسیم، و عبدی، زهرا. ۱۳۹۶. بازنگری محرمیت نهفته در محلات سنتی با هدف ارتقای شهرسازی معاصر (نمونه موردی: محله پامنار تهران). *مدیریت شهری* ۱۶ (۴۶): ۴۰۹-۴۲۴.
- مهدوی نژاد، محمدجواد، مجید منصورپور، و محمد هادیان پور. ۱۳۹۳. نقش حیاط در معماری معاصر ایران (مطالعه موردی: دوره‌های قاجار و پهلوی). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی*، ش. ۱۵: ۴۵-۳۵.
- موحد، خسرو، و کاوه فتاحی. ۱۳۹۲. بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ش. ۱۴۱: ۵۰-۳۷.
- میرسلامی، مهسا، و علی عمرانی پور. ۱۴۰۱. واکاوی نقش فضاهای میانی در نظام توده - فضا و چگونگی آن بر نحوه رفتار جمعی (مطالعه موردی: در عرصه میانی مساجد قزوین). *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست* ۲۴ (۴): ۶۰-۴۷.
- هادی پورمرادی، مژگان، مسعود ناری قمی، ساناز رهروی پوده، و مریم قاسمی سیپانی. ۱۴۰۲. تأثیرات شیوه زندگی زنان قوم لر بر تعریف عرصه‌های خصوصی و جمعی در خانه‌های تاریخی - قاجاری خرم‌آباد. *فصلنامه مطالعات معماری ایران*، ش. ۲۵: ۱۰۷-۷۷.
- هاشم نژاد، هاشم، و صلاح‌الدین مولانایی. ۱۳۸۷. معماری با نگاهی به آسمان سکونتگاه‌های روستایی - ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگرس (منطقه کردستان). *نشریه هنرهای زیبا*، ش. ۳۶: ۱۷-۲۶.
- هاشمی زرج‌آباد، حسن، عابد تقوی، و ذبیح‌ا مسعودی. ۱۳۹۴. درون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی - اسلامی (نمونه پژوهش میدانی: خانه‌های تاریخی بیرجند). *مطالعات فرهنگی خراسان*، ش. ۹: ۱۲۳-۱۴۶.

■ The Role of Privacy and View Angle in the Formation of Spatial Structure of Native House Architecture in Hajjij Village

Masoud Rezaee

Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Kermanshah Branch, Islamic Azad University

Karen Fattahi

Assistant Professor, Department of Architecture, II.c, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

Saeed Moradi

Assistant Professor, Faculty of Architecture, Razi University

Behzad Vasiq

Associate Professor, Faculty of Architecture, Jundishapur Dezful University of Technology

The government-led macro-policies aimed at renovating and improving rural settlements have led to extensive changes in the structure and appearance of the settlements, occasionally resulting in the destruction of buildings containing valuable components and elements. One such example is the Hajjij village in Paveh County, boasting a unique stepped appearance and distinct native houses with valuable components and elements. Elements such as the spatial organization of internal spaces, the hierarchic access, the locations, dimensions, and opening directions in the house of this village determine the interrelationship of the residents with the space outside. This arrangement has provided privacy inside the house despite the lack of courtyards in the buildings. However, the changes occurring as a result of government policies in recent years have created a stark contrast between the new appearance of the Hajjij village and its indigenous architecture. This shift has caused the structure and appearance of the buildings in this area to mirror urban landscapes, resulting in the loss of the patterns and specific components of the village houses. The current study is grounded in library research and field observations and employs a descriptive-analytical approach. Understanding and preserving beneficial approaches to construction and investigating the factors of privacy and view angle in the architecture of the indigenous houses of this village are among the key aspects of this study. The findings of this study can be taken into account as an effective option in the design and construction of new buildings in the village. The current study seeks to address the role of openings in establishing a visual connection between the external and internal spaces and maintaining privacy in these houses. The findings indicate that the windows, generally located on the southern sides with narrow and elongated forms and a protrusion of up to approximately one meter, never provided a view from outside spaces toward the inside of the buildings. In contrast, the inside of the buildings provides a view toward the roof and the surrounding areas of the village. Moreover, the role of the roofs as courtyards for other houses and the view of the residents toward the roofs of neighboring houses, as well as the stepped form of the village, the layout of the interior spaces, the height of the protrusions under the windows, and the shape of the windows have provided the housed of this village with the feature of privacy.

Keywords: Aristocracy, Traditional houses, Secrecy, Courtyard, Hajjij village.